

## Cultural Identity and Social Participation in the University Sphere (A Comparative Study of Data from 2014 and 2024)

*Mohammad Ganji*, Department of Social Sciences, Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran. (Corresponding author) Email: m.ganji@kashanu.ac.ir

*Amin Heydarian*, PH.D. in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: amin.heydarian@grad.kashanu.ac.ir

*Seyyedeh Kowsar Mirali*, M.A. Student in Social science research, Department of Social Sciences, Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: myralya749@gmail.com

*Narges Khademi*, M.A. Student in Social science research, Department of Social Sciences, Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: nargeskhademii1378@gmail.com

### Extended Abstract

**Introduction:** This article presents a comparative and analytical investigation into the relationship between cultural identity and social participation among students at the University of Kashan over a ten-year period, examined at two time points: 2014 and 2024. Drawing upon Ronald Inglehart's theoretical framework on social participation and the perspectives of Anthony Giddens, William Gudykunst, Marilyn Brewer, and Masaki Yuki on cultural identity, this research seeks to examine the trajectory of these two key variables in an academic context and to explore how their relationship has evolved over time.

**Method:** The study employed a social survey methodology, with the statistical population comprising all students at the University of Kashan. Using Cochran's formula, a sample of 500 students was selected, including 250 students surveyed in 2014 and another 250 in 2024. Data were collected using a researcher-developed questionnaire, the validity and reliability of which were confirmed using Cronbach's alpha coefficient.

**Findings:** The descriptive and inferential findings reveal significant differences between the student groups of 2014 and 2024 across all dimensions of cultural identity (including national, linguistic, historical, and artistic aspects), as well as in the variable of social participation. Notably, the mean scores for all variables were significantly higher in the 2014 dataset than in the 2024 dataset. This decline was particularly pronounced in the national and historical dimensions of cultural identity. Hypothesis testing results confirmed a direct and statistically significant relationship (at the 99% confidence level) between all dimensions of cultural identity (national, linguistic, historical, and artistic), both individually and in aggregate, and students' social participation in both time periods. These findings are consistent with Inglehart's view of cultural values as a fundamental motivation for collective action and align with Gudykunst's theory, which emphasizes the influence of cultural identification on social interactions. Structural Equation Modeling (SEM) analysis further indicated that the explanatory power of cultural identity in



predicting social participation has declined over the past decade. While the combined dimensions of cultural identity explained 29.1% of the variance in social participation in 2014, this proportion decreased to 16.6% in 2024. This reduction may indicate an increasing complexity in the factors influencing social participation and the emergence of new determinants in the recent decade.

**Conclusion:** In conclusion, the findings indicate a concurrent decline in both cultural identity and social participation among students at the University of Kashan over the past decade. This trend may be interpreted as reflecting broader shifts in values within Iranian society, as articulated in Inglehart's theory, as well as the dynamic and "reflexive" nature of identity in the modern era, as proposed by Giddens. The study highlights that strengthening students' cultural identity—particularly its national and historical dimensions—could serve as an effective strategy for enhancing social and cultural engagement within the university setting. Accordingly, it is recommended that university cultural programs be reassessed to better understand these transformations and the needs of the younger generation, with the aim of reinforcing cultural identity and fostering greater motivation for social participation.

**Keywords:** Social Participation, Cultural Identity, National Identity, Linguistic Identity, Historical Identity.



## هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی در فضای دانشگاه (مطالعه مقایسه‌ای داده‌های سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳)

محمد گنجی<sup>۱</sup>، امین حیدریان<sup>۲</sup>، سیده کوثر میر عالی<sup>۳</sup>، نرگس خادمی<sup>۴</sup>

### چکیده

این مقاله به مطالعه مقایسه‌ای رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ می‌پردازد. مباحث نظری این پژوهش مبتنی بر دیدگاه رونالد اینگلهارت درباره مشارکت اجتماعی و نظرات آنتونی گیدنز، ویلیام گادیکانست، ماریلین برور و ماساکی یوکی پیرامون هویت فرهنگی است. روش تجربی تحقیق حاضر از نوع پیمایش اجتماعی بوده و جامعه آماری آن را دانشجویان دانشگاه کاشان تشکیل می‌دهند که از این میان، تعداد ۵۰۰ نفر توسط فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه آماری انتخاب شده‌اند. این تعداد شامل ۲۵۰ دانشجو در سال ۱۳۹۳ و ۲۵۰ دانشجو در سال ۱۴۰۳ می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که بین دو گروه دانشجویان در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ بر حسب تمامی ابعاد متغیر هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. به نحوی که میانگین تمامی متغیرهای پژوهش بر حسب داده‌های سال ۱۳۹۳ بیشتر از داده‌های سال ۱۴۰۳ بوده است. به علاوه، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش گویای آن است که بین متغیرهای «هویت فرهنگی (بعد ملی)»، «هویت فرهنگی (بعد زبانی)»، «هویت فرهنگی (بعد تاریخی)»، «هویت فرهنگی (بعد هنری)» و «هویت فرهنگی (مجموع ابعاد)» با «مشارکت اجتماعی» رابطه مستقیمی در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. در نهایت، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که مجموع ابعاد متغیر هویت فرهنگی در سال ۱۳۹۳ توانسته ۲۹/۱ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی دانشجویان را تبیین نماید، در حالی که این میزان در سال ۱۴۰۳ به ۱۶/۶ درصد کاهش یافته است.

### واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت ملی، هویت زبانی، هویت تاریخی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) m.ganjji@kashanu.ac.ir

۲. دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

amin.heydarian@grad.kashanu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.  
myralya749@gmail.com

۴. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.  
nargeshhademii1378@gmail.com

## مقدمه

مشارکت اجتماعی، چگونگی حضور افراد در فعالیت‌های گروهی رسمی و غیررسمی، از جمله باشگاه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه، فعالیت‌های هنری، ورزشی، جمعی و علایق فرهنگی عمومی را توصیف می‌کند (Pevnaya, 2024: 6). جدیدترین مطالعات علمی مشارکت اجتماعی را به مثابه «درگیری یا مشارکت فرد در فعالیت‌هایی که منجر به تعامل با دیگران در بستر جامعه و فضاهای مشترک می‌شود» تعریف می‌کنند (Levas-seur et al, 2022). این مشارکت بر مبنای شرایط زمانی، منابع فردی و زمینه اجتماعی، خواسته‌ها و معناهای شخصی افراد شکل می‌گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های تجربی، مشارکت اجتماعی شامل ابعاد متنوعی است که عبارت‌اند از: جنبه عینی، حضور یا مشارکت واقعی فرد در گروه‌ها، رویدادها، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و مدنی (مانند عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، شرکت در مراسم اجتماعی یا همکاری با سازمان‌ها)، جنبه ذهنی، احساس تعلق، تجربه فراگیر شدن در جمع، رضایت درونی از مشارکت و ادراک فرد از میزان پذیرش و تأیید اجتماعی، زمینه اجتماعی و محیطی، نقش ساختارها، فرصت‌های موجود، دسترسی به منابع و موانع بیرونی در تسهیل یا محدودیت مشارکت اجتماعی افراد و انگیزه و معنا، اهمیت خودخواسته بودن مشارکت و نقش ارزش‌ها و علایق فردی بر نوع و میزان مشارکت اجتماعی (Hoffmann et al, 2023). در مجموع، مشارکت اجتماعی عبارت است از میزان و کیفیت درگیری آگاهانه و آزادانه فرد در فعالیت‌هایی که تعامل با سایر افراد جامعه را در فضاهای معنادار و مشترک هدف قرار می‌دهد، این فرایند تحت تأثیر انگیزه‌ها، منابع، شرایط اجتماعی و ارزش‌های فردی است (Levasseur et al, 2022; Hoffmann et al, 2023).

طی دو دهه اخیر، پیشرفت مطالعات مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد اگرچه این مفهوم زمینه‌ساز توسعه اجتماعی پایدار است، خود نیز متأثر از عوامل اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی است. یافته‌های پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که عواملی چون پایگاه اجتماعی اقتصادی (تحصیلات، شغل و درآمد)، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، عوامل تاریخی و فرهنگی در سطح جامعه (مذهب و قومیت) و انگیزه فردی (شخصیت‌های حمایت‌گر)، بخشی از تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی هستند (Rochester, 2006). اگرچه عوامل مذکور از اهمیت بسیاری در تحقق مشارکت اجتماعی ایفا می‌کنند، اما استمرار کنش‌های مشارکت‌جویانه نیازمند شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی است. در این میان، هویت فرهنگی

از سویی مستقیماً بر میزان و کیفیت مشارکت اجتماعی و داوطلبانه تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، به دلیل ریشه داشتن در بافت فرهنگی جامعه‌پذیری افراد، به‌طور غیرمستقیم از مجرای سایر عوامل، روحیه مشارکت‌جویی و کنش جمعی را پدید می‌آورند.

هویت مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری است که یک فرد یا گروه را از سایرین متمایز می‌کند. هویت فرآیندی پویا و نتیجه تعامل فرد با محیط و جامعه است. از نگاه نظریه‌پردازانی مانند زیگموند باومن، پیتر برگر و اولریش بک، هویت در دنیای مدرن از حالت ایستا و متکی به ساختارهای سنتی (مانند خانواده، مذهب و ملت) به مفهومی سیال و چند لایه تبدیل شده است (Martínez, 2006). در عصر جهانی شدن، افراد نه تنها یک هویت ثابت ندارند، بلکه در گذر زمان و در تعامل با محیط، ساختارهای هویتی جدیدی را تجربه و بازتعریف می‌کنند (Martínez, 2006; Ozer & Schwartz, 2025). مفهوم هویت براساس معیارهای موضوعی به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود که در اینجا بر بعد فرهنگی آن تأکید می‌شود.

هویت فرهنگی به معنای درک و پذیرش مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آداب و رسوم، باورها و نمادهایی است که توسط یک گروه فرهنگی معین ساخته و بازتولید می‌شود. این هویت هم بخشی از فرایند فردی شدن است و هم از طریق عوامل اجتماعی (خانواده، آموزش، نهادهای دینی و رسانه‌ها) شکل می‌گیرد. به بیان رانی سربواستاوا (۲۰۲۵)، هویت فرهنگی یک ساختار پیچیده و پویا است که متعلق به ارزش‌های مشترک، هنجارها و شیوه‌های زیستن اعضای یک فرهنگ است. این هویت هم شامل ادراک خود فرد و هم برداشت دیگران است و توسط نیروهای اجتماعی، چه تاریخی و چه معاصر، شکل می‌گیرد.

به‌طور کلی، ویژگی‌های هویت فرهنگی در دنیای امروز عبارت‌اند از: چندلایگی و تحول‌پذیری: هویت فرهنگی در جهان معاصر غالباً چندوجهی بوده و افراد ممکن است به سطوح مختلف فرهنگی (محلی، ملی، جهانی) تعلق و احساس وابستگی داشته باشند (Ozer & Schwartz, 2025; Srivastava, 2025). کنش متقابل با دیگر فرهنگ‌ها: فرآیند جهانی شدن موجب می‌شود که عناصر فرهنگی گوناگون در تعامل و حتی رقابت با یکدیگر قرار بگیرند. بازشناسی و پذیرش تفاوت‌ها یکی از مؤلفه‌های مهم زیست امروز است (Mesbahian, 2021). نقش عوامل فردی و جمعی: هویت فرهنگی زیر تأثیر عوامل فردی (مانند باورها و خودآگاهی)، خانوادگی (ساختار و عملکرد خانواده)، نهادهای فرهنگی و اجتماعی و همچنین سیاست‌ها و ساختارهای کلان شکل می‌گیرد

(Ozer & Schwartz, 2025). در مجموع، هویت (و به‌ویژه هویت فرهنگی) صرفاً یک برچسب ثابت یا ذاتی نیست، بلکه مجموعی از تجربه‌ها، کنش‌ها و تأثیرات متقابل فرهنگی - اجتماعی است که در بستر زمان و محیط دگرگون می‌شود. پیچیدگی و انعطاف‌پذیری این مفهوم، انعکاسی از دنیای مدرن و روابط چندسطحی امروز است که هر فرد و گروه را حتی با متضادها یا عناصر متنوع در یک دستگاه هویتی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از طرح ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران در سال ۱۳۹۵ که در میان ۸۲۰۱۳ نفر از افراد ۱۸ سال به بالای خانوارهای شهری ساکن در ۴۲۶ شهر از ۳۱ استان کشور گردآوری شده، بیان‌گر میزان شاخص‌های مرتبط با مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان است. داده‌های تجربی گردآوری شده نشان می‌دهند که: ۱. برای شاخص شرکت در انتخابات ۶۳/۷ درصد از پاسخگویان در کل کشور و ۶۷/۲ درصد از پاسخگویان استان اصفهان (رتبه ۱۸ در میان استان‌ها) آن را پراهمیت دانسته‌اند. ۲. برای شاخص عضویت/انجمنی تنها ۸/۴ درصد از پاسخگویان در کل کشور و ۷ درصد از پاسخگویان استان اصفهان عضو انجمن‌ها بوده‌اند. به‌طوری‌که بیشترین میزان عضویت پاسخگویان به ترتیب در هیأت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه، صندوق‌های قرض‌الحسنه دوستی یا خانوادگی، فعالیت در پایگاه بسیج، مؤسسات خیریه و باشگاه‌های ورزشی و تفریحی بوده است. ۳. برای شاخص فعالیت عام‌المنفعه تنها ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان در کل کشور و ۱۴ درصد از پاسخگویان استان اصفهان (رتبه ۲۴ در میان استان‌ها) در امور عام‌المنفعه فعالیت داشته‌اند. ۴. برای شاخص اقدام مشارکتی محلی (در چهار مؤلفه صحبت با همسایه‌ها، تماس تلفنی، نوشتن نامه به مسئولین و مراجعه به ادارات یا سازمان مربوطه) ۴۹/۳ درصد از پاسخگویان در کل کشور و ۵۲/۷ درصد از پاسخگویان استان اصفهان در برطرف نمودن مشکلات محلی مشارکت داشته‌اند (جوادی یگانه و غفاری، ۱۳۹۵).

همچنین، مقایسه یافته‌های موج سوم (جوادی یگانه و غفاری، ۱۳۹۴) و موج چهارم (زائری، ۱۴۰۲) پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، در شاخص‌های هویت ملی، نشان‌دهنده کاهش این هویت است. این پیمایش‌ها، به ترتیب در میان ۱۴۹۰۶ نفر و ۱۵۸۷۸ نفر از افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۳۱ استان کشور انجام شده‌اند. مطابق با یافته‌های این پیمایش‌ها، درصد افتخار به ایرانی بودن از ۸۶/۴ درصد در کل کشور و ۹۲/۶ درصد در استان اصفهان در سال ۱۳۹۴، به ۸۲/۵ درصد در کل کشور و ۸۴/۶ درصد در استان اصفهان در سال ۱۴۰۲ رسیده

است. همچنین، تمایل به زندگی در کشوری دیگر از ۱۷/۸ درصد در کل کشور و ۱۷/۴ درصد در استان اصفهان در سال ۱۳۹۴ به ۳۸/۶ درصد در کل کشور و ۴۲/۴ درصد در استان اصفهان در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است.

در فضای دانشگاهی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشگاهیان به گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، مستقل و غیردولتی اشاره دارد. این روابط، در چارچوب سیاست‌های حاکم بر مجامع علمی، زمینه‌ساز بسط مشارکت، درگیر ساختن دانشگاهیان و بروز رفتار مشارکت‌جویانه در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی در سطوح مختلف است. پیامدهای این مشارکت، هرچند در درجه نخست فضای دانشگاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لیکن می‌تواند به احساس مسئولیت اجتماعی و مشارکت در مقیاس‌های گسترده‌تری مانند محله، شهر و کشور نیز بینجامد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۰). دانشگاه کاشان، به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های جامع و ملی کشور (سطح‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۶)، بر اساس آمار سال ۱۳۹۹، دارای ۱۳ مرکز آموزشی (شامل ۱۱ دانشکده)، ۱۰ مرکز پژوهشی و پژوهشکده، ۱۹۸ رشته دانشگاهی، ۳۰۶ عضو هیئت علمی و ۸۶۲۸ دانشجو (با ۳۷ درصد دانشجوی تحصیلات تکمیلی) و نسبت دانشجو به استاد ۲۱ به ۱ در دوره روزانه بوده است (دانشگاه کاشان، ۱۴۰۰).

بررسی نخستین طرح راهبردی دانشگاه کاشان (۱۳۹۷-۱۳۹۳) نشان می‌دهد که در بخش مأموریت‌ها، به نقش دانشگاه در حفظ و ارتقای هویت اسلامی و فرهنگی جامعه توجه شده و در سیاست‌های فرهنگی، بر حمایت از پژوهش‌های کاربردی فرهنگی و افزایش مشارکت دانشجویان مستعد در امور فرهنگی تأکید شده است (دانشگاه کاشان، ۱۳۹۳). با این حال، گزارش ارزیابی این طرح حاکی از تحقق تنها ۳۸ درصد از هدف مربوط به «ایفای نقش مؤثر دانشگاه در حفظ و ارتقای هویت فرهنگی و اسلامی جامعه» بوده است. در این خصوص، ضعف منابع مالی حوزه فرهنگی به عنوان عامل ضعف اقدامات صورت گرفته مطرح شده است. همچنین، ۶۵ درصد از هدف «ارتقای ایمان، اخلاق، انگیزه، اعتماد به نفس، نشاط، امید، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری دانشجویان» تحقق یافته است. در این مورد نیز ضعف در مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی دانشگاه به عنوان نقطه ضعف اقدامات در این زمینه معرفی شده است (دانشگاه کاشان، ۱۳۹۸ الف). در دومین برنامه راهبردی دانشگاه کاشان (۱۴۰۲-۱۳۹۸) نیز، مفاهیم مشارکت اجتماعی و هویت فرهنگی دانشجویان به مثابه

محورهای اساسی در توسعه دانشگاهی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این سند با اشاره به گسترش فعالیت‌های داوطلبانه اعضای هیأت علمی و دانشجویان در سطح منطقه، تقویت انجمن‌های علمی - فرهنگی و نقش دانشجویان در ترویج علم و کارآفرینی، بر ضرورت تعامل دانشگاه با جامعه محلی تمرکز دارد. از سوی دیگر، عنوان شده که شکل‌دهی به هویت فرهنگی از طریق سیاست‌های اجرایی مانند حمایت از کانون‌های دانشجویی، برنامه‌های معرفت دینی و کرسی‌های آزاداندیشی و تلفیق ارزش‌های اسلامی با معیارهای اخلاقی پیگیری می‌شود (دانشگاه کاشان، ۱۳۹۸ ب).

در مجموع، به منظور بررسی دستیابی به اهداف اجتماعی و فرهنگی ذکر شده در دو طرح راهبردی دانشگاه کاشان، ضرورت دارد تا به بررسی مقایسه‌ای وضعیت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان در مقاطع زمانی مختلف پرداخته شود. این امر به منظور ارزیابی تأثیر شرایط جامعه و برنامه‌های اجرایی دانشگاه صورت می‌گیرد. از این رو، صورت‌بندی پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر در راستای شناسایی و سنجش علمی اهداف اجتماعی و فرهنگی دانشگاه کاشان در قالب مهم‌ترین مفاهیم، یعنی هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی بوده است. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: ۱. میزان هویت فرهنگی (و ابعاد آن) و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ در چه سطحی ارزیابی می‌شود؟ ۲. آیا هویت فرهنگی (و ابعاد آن) می‌تواند مشارکت اجتماعی دانشجویان در فضای دانشگاه را تقویت نماید؟ ۳. آیا بین داده‌های دو مقطع زمانی ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ در میزان هویت فرهنگی (و ابعاد آن) و مشارکت اجتماعی دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد؟ ۴. روند تغییرات میزان هویت فرهنگی (و ابعاد آن) و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ چگونه بوده است؟

### پیشینه پژوهش

مطالعه‌ای با عنوان «به‌سوی یک مدل هویت اجتماعی یکپارچه کنش جمعی: ترکیب تحقیقات کمی از سه منظر اجتماعی - روانشناختی» توسط ون‌زومرن و همکارانش (۲۰۰۸) انجام شده است. این مطالعه با روش سنتز پژوهی به بررسی سه فراتحلیل می‌پردازد که در مجموع ۱۸۲ پژوهش را در موضوع تأثیر متغیرهای بی‌عدالتی، کارآمدی و هویت اجتماعی بر کنش جمعی ترکیب نمودند. نتایج این سنتز پژوهی نشان داد که: ۱. براساس معیار کوهن، هر سه متغیر پیش‌بینی‌کننده اثرات متوسط و علی بر کنش جمعی داشته‌اند،

۲. ابعاد بی‌عدالتی عاطفی و هویت سیاسی شده تأثیرات قوی‌تری نسبت به ابعاد بی‌عدالتی غیرعاطفی و هویت سیاسی نشده دارند، ۳. همچنین، متغیر هویت اجتماعی از طریق متغیرهای بی‌عدالتی و کارآمدی نیز بر کنش جمعی اثرگذار است.

پژوهش دیگری با عنوان «هویت اجتماعی و مشارکت: یک مطالعه اکتشافی در دانشگاه» توسط برنابه و همکارانش (۲۰۱۶) در بین ۲۶۶ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف اسپانیا انجام شده است. نتایج این مطالعه بیان‌گر آن بود که متغیر هویت گروهی توان پیش‌بینی مشارکت اجتماعی دانشجویان را داشته و در این میان، متغیر ابتکار شخصی (در مشارکت) نقش واسطه‌ای را بر عهده دارد. شریک-بورتا (۲۰۱۸) نیز تحقیق دیگری را با عنوان «سرمایه هویتی جوانان و مشارکت اجتماعی در اجتماعات محلی» صورت داده است. روش تجربی این پژوهش از نوع طولی و مقایسه‌ای و جامعه آماری آن شامل جوانان ساکن در مرز جنوبی لهستان است. داده‌های این تحقیق مبتنی بر پیمایش‌های انجام شده در سال‌های تحصیلی ۴-۲۰۰۳ و نیز ۱۷-۲۰۱۶ درباره متغیر رفتارهای هویتی اعلام‌شده با استفاده از روش و ابزار یکسان و تکرارپذیر بوده است. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیر سرمایه هویتی و مشارکت اجتماعی جوانان در دو مقطع زمانی رابطه معناداری وجود دارد.

«مشارکت اجتماعی جمعیت مهاجر تحت تأثیر ادغام اجتماعی در چین: بر اساس دیدگاه‌های هویت گروهی و طرد اجتماعی»، عنوان تحقیق دیگری است که به‌وسیله زو و همکارانش (۲۰۲۴) صورت گرفته است. این پژوهش از داده‌های ۱۶۹۹۸۹ پاسخ‌دهنده در نظرسنجی پویای مهاجران چینی در سال ۲۰۱۷ استفاده می‌کند و مفاهیم هویت گروهی و طرد اجتماعی را در یک چارچوب تحلیلی یکپارچه ادغام می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که هویت گروهی به‌طور قابل‌توجهی مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد. برعکس، طرد اجتماعی مانع آن می‌شود. علاوه بر این، هویت گروهی و طرد اجتماعی به‌طور قابل‌توجهی با هم تعامل دارند و بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

هوانگ و همکارانش (۲۰۲۵) نیز در یک تحلیل ثانویه به موضوع «تأثیر هویت سنی بر مشارکت اجتماعی سالمندان» پرداخته‌اند. داده‌های این تحقیق حاصل یک پیمایش اجتماعی در میان سالمندان چینی در سال ۲۰۲۰ است. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهند که هویت سنی مثبت به‌طور قابل‌توجهی مشارکت اجتماعی سالمندان (ازجمله مشارکت کاری، مشارکت سیاسی و خدمات داوطلبانه) را ارتقا می‌دهد. به‌طور

خاص، به ازای هر یک سال افزایش سطح هویت سنی، میزان مشارکت در خدمات داوطلبانه ۱/۹ درصد، میزان مشارکت سیاسی ۲/۳ درصد و مشارکت کاری ۲/۴ درصد افزایش می‌یابد.

مروری بر مطالعات تجربی پیشین در ایران نیز نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی درباره رابطه بین هویت و برخی از ابعاد آن و مشارکت اجتماعی انجام شده است. برای نمونه، پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند شهر گرگان» توسط بذرافشان (۱۳۹۶) انجام شده است. نمونه آماری این پژوهش را ۵۰۰ نفر از شهروندان سالمند شهرستان گرگان تشکیل می‌دهد (با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین متغیر هویت خانوادگی و مشارکت اجتماعی سالمندان رابطه مستقیم وجود دارد.

پژوهش دیگری با موضوع «ارائه مدل ساختاری مشارکت اجتماعی بر مبنای خودکارآمدی، هویت اجتماعی و تاب‌آوری بر اساس نقش میانجیگری امید» توسط درستکار و دیگران (۱۳۹۸) شکل گرفته است. نمونه آماری این پیمایش شامل ۳۰۵ نفر از کارکنان یک شرکت دولتی می‌شد که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیر هویت اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. همچنین، هویت اجتماعی با نقش میانجی متغیر امید بر مشارکت اجتماعی تأثیر دارد.

گلستانی و همکارانش (۱۴۰۱) پژوهش دیگری را با عنوان «رابطه هویت اجتماعی با سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی» صورت داده‌اند. جامعه آماری این تحقیق دربردارنده دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است و حجم نمونه با محاسبه فرمول کوکران برابر با ۲۵۴ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز از نوع تصادفی طبقه‌ای بوده است. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری واریانس محور این پژوهش نشان می‌دهند که بین هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی و نیز بین هویت اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

«تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هویت ملی زنان بین ۱۸ تا ۵۰ ساله ساکن شهرکرد»، عنوان پیمایش دیگری است که توسط نازک‌تبار و همکارانش (۱۴۰۲) انجام

شده است. حجم نمونه آماری این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران برابر ۵۰۰ نفر تعیین شده است. یافته‌های این مطالعه گویای آن است که بین هویت ملی و مشارکت اجتماعی (به عنوان یکی از ابعاد اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی) رابطه معنادار وجود دارد. در نهایت، صفایی (۱۴۰۴) در یک مطالعه پیمایشی به موضوع «رابطه ابعاد هویت فرهنگی جمعی با مشارکت اجتماعی شهروندان» می‌پردازد. حجم نمونه مورد بررسی شامل ۳۸۶ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز بود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هویت فرهنگی جمعی به‌طور معناداری بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به‌طور خاص، هویت دینی و هویت قومی درون‌مرزی بیشترین تأثیر مثبت را بر مشارکت اجتماعی داشتند، درحالی‌که هویت جهانی تأثیر منفی بر مشارکت اجتماعی نشان داد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل رگرسیون نشان داد که ابعاد هویت فرهنگی جمعی می‌توانند حدود ۳۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی شهروندان تبریز را تبیین نمایند.

## مبانی و چارچوب نظری

مباحث نظری این پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های رونالد اینگلهارت در زمینه تغییر ارزش‌ها و مشارکت و نیز نظرات آنتونی گیدنز، ویلیام گادیکانست، مارلین برور و ماساکی یوکی در خصوص دو بعد اصلی هویت یعنی هویت فرهنگی و ملی می‌پردازد.

### رونالد اینگلهارت: دگرگونی ارزشی و افزایش مشارکت

رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳) با مطالعه نوسازی اجتماعی و فرهنگی در جوامع غربی، افزایش مشارکت در این جوامع را حاصل سه عامل اصلی می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. ارتقاء سطح تحصیلات و آگاهی‌های سیاسی، ۲. گسترش هنجارهای آزاداندیشانه برای مشارکت سیاسی زنان و ۳. تغییر اولویت‌های ارزشی مردم از تأکید بر ارزش‌های مادی به تأکید بر ارزش‌های فرامادی (با تأکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی و توجه بیشتر بر حق ابراز نظر)؛ بنابراین متغیرهایی نظیر تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی و تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر دارند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۶). به نظر او مشارکت اجتماعی حاصل کنش متقابل تعدادی از عوامل است. عامل نخست، حضور مسائل عینی مانند کم‌اهمیت دادن به محیط، استثمار زنان، در حاشیه بودن هویت‌ها و

اقلیت‌ها و سردی و بی‌روحي جوامع صنعتی بوده و عامل دیگر، نظام ارزشی است. شکل‌گیری عمل جمعی تا حد زیادی تابع از ارزش‌های بنیادینی است که کنشگران به آن‌ها اعتقاد دارند. درواقع، این ارزش‌ها هستند که انگیزه لازم را برای عمل فراهم می‌آورند. اینگلهارت در بررسی تحولات فرهنگی سه دسته نظام ارزشی را از هم تفکیک کرده است. نخست، نظام ارزشی در دوره سنتی که از مشخصه‌های اصلی آن خانواده‌گرایی و دین‌داری است؛ دوم، نظام ارزشی در دوره مدرن که بر پیشرفت اقتصادی تأکید فزاینده داشته و بر موفقیت‌طلبی، ریاضت‌پیشگی و از خودگذشتگی تأکید داشته و سرانجام، نظام ارزشی دوره پست‌مدرن که بر فرامادی‌گرایی، سبک زندگی و ابراز عقیده فردی، انتخاب فردی، ابراز وجود قوی و کیفیت جوانب زندگی تأکید دارد. او در پژوهش معروف خود با عنوان *پیمایش جهانی ارزش‌ها*، ارزش‌های فرامدرن را در چهار حوزه سیاست، اقتصاد، جنسیت، خانواده و مذهب از هم تفکیک نموده است. در این بررسی از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی متنوع و متعددی بهره گرفته شده که از جمله آن‌ها می‌توان به مشارکت، اهمیت کیفیت زندگی، تأکید بر معنا و هدف زندگی، ظهور ارزش‌های نو و سبک‌های جدید زندگی اشاره کرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

اینگلهارت بر اساس دو فرضیه اجتماعی‌شدن و کم‌بابی استدلال می‌کند که رفع نیازهای مادی و امنیتی انسان، نیازهای وابسته به سطوح بالاتر را فعال می‌کند. در چنین شرایطی افراد به دنبال روابط اجتماعی، خویش‌نمایی (هویت) و قدر و منزلت می‌روند و به موضوعاتی مانند نابرابری‌های اجتماعی، آزادی بیان، مسئله زنان، محیط‌زیست، صلح، خطرات گرم شدن زمین و شبیه‌سازی ژنتیکی اهمیت می‌دهند؛ بنابراین، ارزش‌های فرامادی (فرهنگی) تا حدی مشارکت افراد را در چنین فعالیت‌هایی توجیه می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). عامل دیگر تجهیز شناختی است. تجهیز شناختی فراگرد بسیج اجتماعی است که به موجب آن، مردم از انزوای جسمی و روحی سنت‌ها جدا شده، افق دیدشان فراتر از ارتباط کلامی رفته و ارتباطشان با سیاست ملی بیشتر می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

اینگلهارت در مدل تحلیلی خود به ماهیت، علل و پیامدهای دگرگونی یا تغییر فرهنگی توجه می‌کند. او در این مدل به تغییر فرهنگی در سطوح متعدد توجه کرده و از جنبه‌های گوناگون آن را تحلیل می‌کند و به تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر فرهنگ و تأثیر فرهنگ بر اقتصاد، جامعه و سیاست می‌پردازد. از نظر

اینکلهارت تغییرات در سطح کلان نظام (شامل توسعه اقتصادی و فناوریانه، بالا رفتن سطح تحصیلات، تجارب گوناگون گروه‌های سنی و گسترش رسانه‌های ارتباطی جمعی) به تغییرات در سطح خرد فردی (اهمیت بیشتر به نیازهای دیگران، ابراز وجود و احترام به خود و افزایش آن بخش از جمعیت که از مهارت‌های سیاسی در سطح ملی برخوردارند) می‌انجامد که این امر مجدداً باعث پیامدها و تغییراتی در سطح نظام می‌شود (مانند دگرگونی در مسائل سیاسی و تأکید بر شیوه زندگی، دگرگونی در بنیان‌های اجتماعی و کاهش نسبی برخورد طبقاتی، تغییرات در حمایت از نهادهای ملی موجود و تحول در اشکال متداول مشارکت) (موسوی، ۱۳۹۱: ۷۶)؛ بنابراین، از نظر اینکلهارت عوامل اجتماعی و بیرونی به‌ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی حاصل از نوسازی، نقش مؤثری را در تغییرات مشارکت و افزایش یا کاهش آن ایفا می‌نمایند.

### آنتونی گیدنز: بازتابندگی و مشارکت در خلق هویت

گیدنز، در اثر معروف خود با عنوان *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، با تأکید بر رویکرد تعامل‌گرایی نمادین و به‌خصوص نظریات جورج هربرت مید به بحث در مورد هویت شخصی می‌پردازد. او هویت را درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنا دار است، تعریف می‌کند. این درک و تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرند که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند. از نظر او برخی از منابع اصلی هویت عبارت‌اند از: جنسیت، جهت‌گیری تمایل جنسی، ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی. او هویت را به دو نوع *هویت اجتماعی* و *هویت شخصی* تقسیم می‌کند و بیان می‌دارد که این شکل‌های هویت فقط از نظر تحلیلی از هم جدا و متمایز می‌شوند اما در واقع پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند. از نظر او هویت اجتماعی به معنای ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است؛ اما هویت شخصی، ما را به‌عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند. در واقع هویت شخصی به معنای فرایند رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن ما معنای یگانه و منحصر به فردی از خویش‌مان و مناسبات مان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۵).

از نظر گیدنز هویت امری برساختی و بی‌پایان است؛ چراکه فرد مدام دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به فعالیت‌ها و هویتش و چگونگی بازتابی این هویت در جهان صرف می‌کند و به همین دلیل هویت حالت *بازتابندگی* دارد و در نتیجه

ایستا نیست. این تلقی به هویت حالت دیالکتیکی می‌دهد (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰). از نظر او هویت شخصی، برخلاف خود که به‌عنوان پدیده‌ای بی‌شکل و عام است، مستلزم آگاهی بازتابی است. به‌عبارت‌دیگر، هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد؛ بلکه فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد؛ بنابراین هویت شخصی را می‌توان همان خود دانست که شخص آن را به‌صورت بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۸۱).

### ویلیام گادیکانست: هویت فرهنگی جمعی

ویلیام گادیکانست (۲۰۰۳) هویت فرهنگی را همان هویت اجتماعی به‌شمار می‌آورد که بر عضویت ما در فرهنگ‌مان تأکید دارد. اگرچه ما معمولاً چندان از تأثیر آن آگاه نیستیم، اما این هویت نقش تعیین‌کننده‌ای در تعاملات ما در زندگی روزمره دارد. در واقع، ما هنگامی از تأثیر هویت فرهنگی خود در تعامل با دیگران آگاهی می‌شویم که در فرهنگ دیگری قرار گرفته و در موقعیتی در فرهنگ خود به‌تعمیل با اعضای دیگر فرهنگ‌ها پردازیم. از نظر گادیکانست مفهوم توان هویت فرهنگی به این نکته اشاره دارد که چقدر فرهنگ‌مان بر تعریفی که از خود داریم تأثیر می‌گذارد. هر چه با فرهنگ خود بیشتر همسان‌سازی نموده و خود را براساس معیارهای آن تعریف کنیم، بیشتر از دیگران انتظار داریم که از قواعد و هنجارهای فرهنگ ما پیروی کنند. از این رو، هنگامی که فردی در فرهنگ دیگری ناآشنا قرار می‌گیرد، از وجود هویت فرهنگی خود بیشتر آگاه شده و بیشتر خود را عضوی از یک فرهنگ ملی قلمداد می‌کند.

گادیکانست معتقد است که ضرورت دارد محتوای هویت فرهنگی را با توجه به ابعاد فردگرایی - جمع‌گرایی درک نمود. به‌زعم او گرایش جمع‌گرایانه افراد دربرگیرنده سه عامل است: ۱. تبعیت اهداف فرد از اهداف گروه، ۲. گروه خودی را به‌عنوان امتداد خود دانستن و ۳. داشتن هویت گروهی قومی و برخورداری از ارزش‌های حامی اجتماع سازگاری و هم‌رنگی محدودکننده جماعت و ارزش‌هایی مانند سنت و امنیت همگی بر ارتقاء و پیشبرد منافع دیگران تکیه دارند. افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا به‌هنگام ارتباط با دیگران به هویت‌های اجتماعی خود بیش از هویت فردی تأکید می‌کنند

(Gudykunst, 2003).

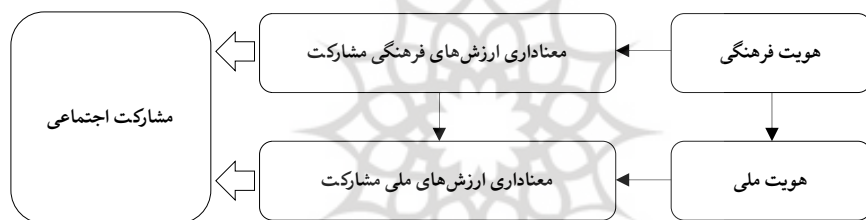
### برور و یوکی: تعیین کننده‌های فرهنگی هویت

ماریلین برور و ماساکی یوکی در مطالعات نظری تجربی خود به تبیین رابطه فرهنگ و هویت اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر برور و یوکی محل و محتوای هویت‌های اجتماعی افراد به نحوی فرهنگی تعیین و تنظیم می‌شود. در واقع، هویت اجتماعی محل تلاقی روان‌شناسی شخصیت فردی و نظام‌های معنایی در کنش‌های فرهنگی است. برور، مبتنی بر تفاوت میزان تأثیر فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا بر فرایند هویت‌یابی درون‌گروهی، بین دو سنت نظری در مطالعات هویت تفاوت قائل می‌شود: نخست، مقوله‌بندی اجتماعی (در رویکردهای تاجفل، دواز و وایلر) و دیگری همانندی اجتماعی (در دیدگاه لومن، وانمن و پتی‌گرد). آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که در هر دو سنت نظری، هویت شخصی بر پیوستاری از فردیت تا هویت جمعی قرار می‌گیرد. با وجود این، نظام‌های فرهنگی در جوامع مختلف هر کدام تأثیرات خاصی بر فرایندهای هویت اجتماعی می‌گذارند. در واقع، آنچه در هر نظام فرهنگی بر فرایند هویت‌یابی اجتماعی اعضای جامعه اثر دارد، چیزی جز عوامل اجتماعی - بوم‌شناختی نظیر جغرافیا، ساختار اجتماعی و تحرک اجتماعی نیست. همچنین، عوامل دیگری چون میزان فردگرایی و جمع‌گرایی فرهنگ‌ها، ارزش‌های شخصی و ویژگی‌هایی مانند اعتماد، همکاری، تبعیض درون‌گروهی و برون‌گروهی در فرایند هویت‌یابی اجتماعی و وفاداری به گروه نقش دارند. در نتیجه، هویت فرهنگی را می‌توان معادل بعد فرهنگی هویت جمعی در نظر گرفت و شخصی که دارای این هویت فرهنگی باشد، علاوه بر عضویت در گروه و جمع از آن آگاهی داشته، شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه خود و دیگر گروه‌ها را می‌شناسد و در نهایت ارزیابی مثبتی از گروه خود دارد (Brewer & Yuki, 2007).

### جمع‌بندی مباحث نظری

در مجموع، مباحث نظری این پژوهش درباره سه مفهوم مشارکت اجتماعی (رویکرد اینگلهارت)، هویت فرهنگی (دیدگاه گادیکانست و برور و یوکی) و هویت ملی (نظریه گیدنز) نشان می‌دهند که می‌توان در یک تحلیل نظری و با بهره‌گیری از مفهوم ارزش در نظریه اینگلهارت به تبیین رابطه بین هویت و مشارکت پرداخت. رابطه‌ای که بیش از همه، به واسطه وجود ارزش‌های مشارکت و نیز پذیرش آن از سوی کنشگران اجتماعی برقرار می‌شود. مطابق با رویکرد اینگلهارت، از آنجاکه این ارزش‌ها همواره در معرض تغییر قرار داشته و طیفی از عناصر مادی - غیرمادی را دربر می‌گیرند، بنابراین انتظار

می‌رود که این تغییر معنا در رابطه بین هویت و مشارکت نیز تأثیر خود را برجای گذارد. از سوی دیگر، می‌توان به رابطه بین هویت فرهنگی و هویت ملی نیز اشاره نمود. این رابطه مبنی بر نقش فرهنگ و عرصه‌های گوناگون آن نظیر زبان، تاریخ و هنر است که در شکل‌گیری و استمرار هویت ملی در نظر گرفته می‌شود. به علاوه، این تأثیر خود را در ساحت معانی ارزش‌ها نیز نمایان ساخته و نشان از تأثیر معانی ارزش‌های فرهنگی مشارکت بر ارزش‌های ملی مشارکت دارد. به طوری که درک معانی ارزش‌های فرهنگی مشارکت توسط کنشگران اجتماعی، گام مهمی در درک معانی ارزش‌های ملی مشارکت به شمار می‌رود. اگرچه مبتنی بر دیدگاه‌های نظری گوناگون، می‌توان سطوح خرد و کلان رابطه بین هویت و مشارکت را به صورت مجزا مورد توجه قرار داد، اما در اینجا سعی می‌شود که این رابطه در سطح تلفیقی و تعاملی متقابل بین فرد و جامعه در نظر گرفته شود.



شکل ۱. تعامل هویت فرهنگی، هویت ملی و مشارکت اجتماعی

هویت ملی و هویت فرهنگی اغلب به طور هم‌زمان مورد بحث قرار می‌گیرند، زیرا هر دو مفهوم به چگونگی ادراک افراد و گروه‌ها از خود و جایگاه‌شان در ساختارهای اجتماعی کلان مربوط می‌شوند. هویت ملی اغلب به عنوان نوعی تعلق فرهنگی درک می‌شود، اما این دیدگاه ممکن است واقعیت‌های چند فرهنگی جوامع مدرن را به طور کامل در نظر نگیرد (Kirloskar-Steinbach, 2010). هویت ملی می‌تواند از طریق اشکال و شیوه‌های فرهنگی مختلف، مانند فرهنگ عامه، دیدگاه‌ها و کنش‌های روزمره، شکل گرفته و نمایان شود (Edensor, 2002). در جوامع چندفرهنگی، هویت ملی ممکن است به طور مناسب‌تر به عنوان تعلق به یک نظام سیاسی و نه یک گروه فرهنگی واحد درک شود که بر ابعاد سیاسی و مدنی نسبت به جنبه‌های صرفاً فرهنگی تأکید می‌کند (Kirloskar-Steinbach, 2010; Rex, 1996). سیاست هویت ملی می‌تواند بر شناخت فرهنگی تأثیر بگذارد و به ایجاد اجماع در مورد فرهنگ

ملی، حتی در دموکراسی‌های متنوع قومی، کمک کند (Dupré, 2016). از این رو، هویت فرهنگی ملی شامل یک فرایند روانی اجتماعی است که در آن افراد فرهنگ‌های گروه قومی خود را کسب، حفظ یا به شکل نوآورانه‌ای خلق می‌کنند که بیان‌گر ارتباط قوی بین هویت‌های ملی و فرهنگی است. ساختار هویت ملی و فرهنگی شامل مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است که نشان می‌دهد هویت ملی به‌شدت در هویت فرهنگی جای گرفته است (Zhelanova & Matviienko, 2022).

از سوی دیگر، جهانی‌شدن با معرفی عناصر فرهنگی جدید و نیز چالش برانگیز بودن فرهنگ‌های ملی سنتی، بر هویت‌های ملی و فرهنگی تأثیر می‌گذارد، اما در عین حال بر اهمیت حفظ هویت ملی متمایز نیز تأکید می‌کند. جستجوی هویت‌های ملی می‌تواند تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی گسترده‌تری مانند مدرنیته قرار گیرد که چارچوب‌های مختلفی را برای درک و بیان هویت ملی ارائه می‌دهد. در نتیجه، هویت ملی در واقع بخشی از هویت فرهنگی است، همان‌طور که از پیوند بین شیوه‌های فرهنگی، فرایندهای روانی اجتماعی و تأثیر جهانی‌شدن پیداست. در حالی که هویت ملی را می‌توان از طریق لنزهای سیاسی و مدنی درک کرد، اما همچنان ریشه عمیقی در عناصر فرهنگی دارد و آن را به جزئی جدایی‌ناپذیر از هویت فرهنگی تبدیل می‌کند.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش برآمده از پیشینه تجربی و مباحث نظری مطرح شده هستند که عبارت‌اند از: ۱. بین متغیرهای «هویت فرهنگی» و ابعاد آن و متغیر «مشارکت اجتماعی» بر حسب مقاطع زمانی داده‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. ۲. بین «هویت فرهنگی (بعد ملی)» و «مشارکت اجتماعی» دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد. ۳. بین «هویت فرهنگی (بعد زبانی)» و «مشارکت اجتماعی» دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد. ۴. بین «هویت فرهنگی (بعد تاریخی)» و «مشارکت اجتماعی» دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد. ۵. بین «هویت فرهنگی (بعد هنری)» و «مشارکت اجتماعی» دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد. ۶. بین «هویت فرهنگی (مجموع ابعاد)» و «مشارکت اجتماعی» دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.

### روش پژوهش

روش تجربی مورد استفاده در این پژوهش برای هر دو مقطع زمانی (۱۳۹۳ و ۱۴۰۳)

از نوع پیمایش اجتماعی (با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته) است. جامعه آماری آن نیز شامل دانشجویان دانشگاه کاشان بوده که از این میان، تعداد ۵۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران، به عنوان حجم نمونه آماری برآورد شده است. این تعداد شامل ۲۵۰ دانشجو در سال ۱۳۹۳ و ۲۵۰ دانشجو در سال ۱۴۰۳ می شود. لازم به توضیح است که داده‌های مربوط به سال ۱۳۹۳ به صورت مستقل و باهدف مقایسه با داده‌های آتی (سال ۱۴۰۳) و با استفاده از همان روش شناسی و ابزار جمع‌آوری گردید. این فرآیند در سال ۱۴۰۳ برای ۲۵۰ دانشجوی دیگر با حفظ همان روش و ابزار تکرار گردید تا امکان مقایسه مستقیم بین دو مقطع زمانی فراهم آید.

روش نمونه‌گیری جهت جمع‌آوری داده‌ها در هر دو مقطع زمانی (۱۳۹۳ و ۱۴۰۳) از نوع غیر احتمالی و به صورت سهمیه‌ای بوده است. در این روش، سهمیه هر دانشکده بر اساس نسبت جمعیت دانشجویان آن دانشکده به کل جمعیت دانشجویان دانشگاه در سال‌های تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ و ۰۴-۱۴۰۳ تعیین شده است. این رویکرد تضمین می‌کند که نمونه‌های جمع‌آوری شده در هر دو سال، از نظر توزیع دانشجویان در دانشکده‌های مختلف، متناسب با ساختار جمعیتی دانشگاه در آن زمان باشند. جمع‌آوری داده‌ها در خارج از زمان برگزاری کلاس‌ها در هر دانشکده و نیز انتخاب دانشجویانی که زمان کافی جهت تکمیل پرسشنامه داشته‌اند معیارهایی بوده که در پرسشگری مدنظر قرار داشته است.

جهت برآورد میزان پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. از آنجاکه نتایج آلفا برای تمامی متغیرهای اصلی پژوهش بالاتر از ۰/۷ بوده و از این رو ابزار سنجش از پایایی مناسبی برخوردار است. در ادامه، به تعریف عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته شده است. دامنه سنجش گویه‌ها از یک تا پنج در نظر گرفته شده است ۱. کاملاً مخالفم، ۲. مخالفم، ۳. تا حدی، ۴. موافقم و ۵. کاملاً موافقم).

هویت فرهنگی (بعد ملی): ۱. به شخصیت‌ها و مفاخر ملی (مانند مفاخر علمی و تاریخی) افتخار می‌کنم، ۲. نسبت به پرچم و سرود ملی احساس شور و شوق دارم، ۳. به آداب و رسوم و مناسک ایرانی (مانند مراسم ازدواج و مراسم نوروزی) علاقه‌مندم و ۴. به ارزش‌های ایرانی و اسلامی (مانند مهمان‌نوازی و کمک به نیازمندان) علاقه‌مندم، ۵. به گردشگری مذهبی (در داخل یا خارج از کشور) علاقه‌مندم و ۶. بازدید از مکان‌های گردشگری تفریحی داخل را به خارج ترجیح می‌دهم. هویت فرهنگی (بعد زبانی): ۱. از مطالعه اشعار فارسی لذت می‌برم، ۲. در صحبت‌هایم از واژگان فارسی به جای واژگان خارجی استفاده می‌کنم، ۳. در پیامک و ایمیل زدن از زبان فارسی

استفاده می‌کنم و ۴. از برنامه‌های فارسی زبان تلویزیون (داخلی یا ماهواره‌ای) استفاده می‌کنم. هویت فرهنگی (بعد تاریخی): ۱. به آثار و آبنیه‌های مذهبی و تاریخی کشور علاقه‌مندم و نسبت به آن‌ها افتخار می‌کنم، ۲. بازدید از مکان‌های گردشگری تاریخی داخل را به خارج ترجیح می‌دهم و ۳. به معماری خانه‌های تاریخی ایرانی علاقه‌مندم و به آن افتخار می‌کنم. هویت فرهنگی (بعد هنری): ۱. به آداب و رسوم و صنایع دستی اقوام ایرانی علاقه‌مندم، ۲. به طرح‌های دکوراسیون خانه‌های سنتی ایرانی علاقه‌مندم، ۳. تماشای فیلم و سریال‌های ایرانی را به خارجی ترجیح می‌دهم، ۴. از موسیقی سنتی ایرانی استفاده کرده و احساس نزدیکی و آرامش با آن دارم، ۵. از غذاها و نوشیدنی‌های ایرانی در برنامه غذایی خود استفاده می‌کنم و ۶. نسبت به طرح‌های خوش‌نویسی و خطاطی (مانند نستعلیق) علاقه‌مندم.

مشارکت اجتماعی: ۱. من فکر می‌کنم می‌توانم کار ارزشمندی برای جامعه‌ام انجام دهم، ۲. به نظر من عضویت و همکاری با گروه‌ها و سازمان‌های مردمی نتایج مفیدی برای جامعه دارد، ۳. به نظر من مشارکت در انتخابات، پیامدهای اجتماعی مهمی برای جامعه دارد، ۴. به عنوان یک شهروند همکاری در مسایل اجتماعی شهر را از وظایف خود می‌دانم و ۵. به نظر من کاستن از انحرافات اجتماعی (نظیر اعتیاد، بزهکاری و...) نیاز به مشارکت همه اعضای جامعه دارد.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در بخش متغیرهای زمینه‌ای شامل توصیف متغیرهای جنس، سن، دانشکده، مقطع تحصیلی و محل سکونت برحسب مقطع زمانی داده‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش برحسب مقطع زمانی داده‌ها

داده‌های سال ۱۴۰۳		داده‌های سال ۱۳۹۳		متغیر فراوانی	
	درصد	فراوانی	درصد		
جنس	۵۶	۴۵/۶	۱۱۴	مرد	
	۴۴	۵۴/۴	۱۳۶	زن	
سن	۶۴/۲	۷۹/۶	۱۹۹	کمتر از ۲۳ سال	
	۲۵/۶	۱۶/۴	۴۱	۲۳ تا ۲۸ سال	
	۱۰/۲	۴	۱۰	بیشتر از ۲۸ سال	

۱۶/۸	۴۲	۲۳/۶	۵۹	علوم پایه	دانشکده
۳۵/۲	۸۸	۳۶/۴	۹۱	فنی و مهندسی	
۷/۶	۱۹	۱۰/۴	۲۶	معماری و هنر	
۴۰/۴	۱۰۱	۲۹/۶	۷۴	ادبیات و علوم انسانی	
۶۱/۸	۱۵۴	۷۵/۶	۱۸۹	کارشناسی	مقطع تحصیلی
۳۶/۹	۹۲	۱۷/۶	۴۴	کارشناسی ارشد	
۱/۲	۳	۶/۸	۱۷	دکتری	

بیشترین میزان فراوانی در داده‌های سال ۱۳۹۳ به زنان (۵۴/۴ درصد) کمتر از ۲۳ سال (۷۹/۶ درصد) در دانشکده فنی و مهندسی (۳۶/۴ درصد) در مقطع کارشناسی (۷۵/۶ درصد) و ساکن در منزل پدری (۵۳/۲ درصد) بوده‌اند. همچنین، بیشترین میزان فراوانی در داده‌های سال ۱۴۰۳ به مردان (۵۶ درصد) کمتر از ۲۳ سال (۶۴/۲ درصد) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۴۰/۴ درصد) و در مقطع کارشناسی (۶۱/۸ درصد) اختصاص داشته است.

جدول ۲. نتایج آزمون تفاوت متغیرهای اصلی پژوهش برحسب مقطع زمانی داده‌ها

نتیجه نهایی آزمون	سطح معناداری	میزان T	میانگین	مقاطع زمانی	متغیرهای مستقل
عدم تفاوت معنادار	۰/۰۰۱	۹/۶۲۳	۴/۲۰	۱۳۹۳	هویت فرهنگی (بعد ملی)
			۳/۶۰	۱۴۰۳	
وجود تفاوت معنادار	۰/۰۰۱	۷/۱۰۹	۳/۹۶	۱۳۹۳	هویت فرهنگی (بعد زبانی)
			۳/۵۱	۱۴۰۳	
وجود تفاوت معنادار	۰/۰۰۱	۶/۴۴۳	۴/۰۱	۱۳۹۳	هویت فرهنگی (بعد تاریخی)
			۳/۵۶	۱۴۰۳	
وجود تفاوت معنادار	۰/۰۰۲	۳/۱۱۳	۳/۸۱	۱۳۹۳	هویت فرهنگی (بعد هنری)
			۳/۶۳	۱۴۰۳	
وجود تفاوت معنادار	۰/۰۰۱	۸/۰۵۹	۴/۰۰	۱۳۹۳	هویت فرهنگی (مجموع ابعاد)
			۳/۵۹	۱۴۰۳	
وجود تفاوت معنادار	۰/۰۰۱	۳/۲۴۷	۳/۸۷	۱۳۹۳	مشارکت اجتماعی
			۳/۶۶	۱۴۰۳	

جدول ۲، نتایج آزمون فرضیه نخست پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، بین متغیرهای «هویت فرهنگی (بعد ملی)»، «هویت فرهنگی (بعد زبانی)»، «هویت فرهنگی (بعد تاریخی)»، «هویت فرهنگی (بعد هنری)»، «هویت فرهنگی (مجموع ابعاد)» و «مشارکت اجتماعی» برحسب سال گردآوری داده‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میانگین داده‌های سال ۱۳۹۳ برای تمامی متغیرها، بالاتر از سال ۱۴۰۳ بوده است. باین وجود، معنادار شدن آزمون‌ها برای دو متغیر «هویت فرهنگی (بعد هنری)» و «مشارکت اجتماعی»، با توجه به تفاوت اندک بین میانگین‌ها، بیشتر به سبب بزرگ بودن حجم نمونه موردبررسی رخ داده است.

جدول ۳. آزمون رابطه بین متغیرهای اصلی پژوهش و مشارکت اجتماعی برحسب مقطع زمانی داده‌ها

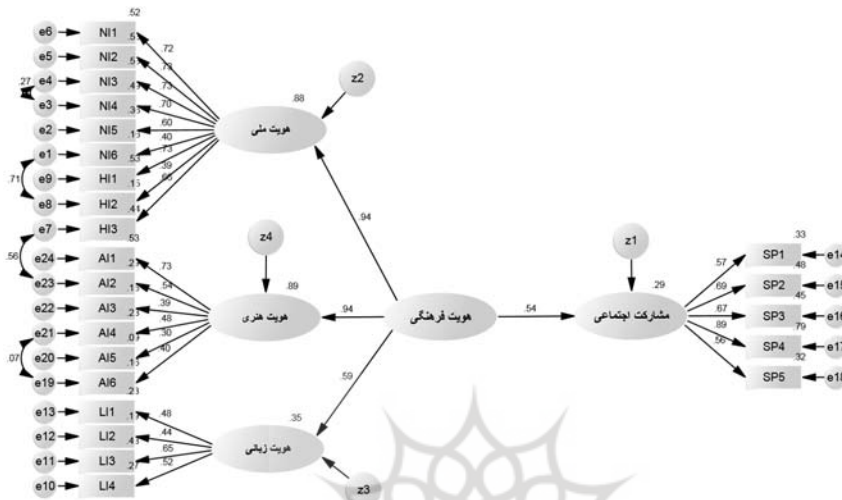
متغیر	مقطع زمانی: ۱۳۹۳		مقطع زمانی: ۱۴۰۳	
	میزان آزمون	سطح معناداری	میزان آزمون	سطح معناداری
هویت ملی	۰/۴۹۲	۰/۰۰۱	۰/۳۱۴	۰/۰۰۱
هویت زبانی	۰/۲۷۱	۰/۰۰۱	۰/۳۲۹	۰/۰۰۱
هویت تاریخی	۰/۳۲۸	۰/۰۰۱	۰/۲۵۹	۰/۰۰۱
هویت هنری	۰/۳۵۸	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱	۰/۰۰۱
هویت فرهنگی	۰/۴۶۵	۰/۰۰۱	۰/۴۰۸	۰/۰۰۱

جدول ۳ به آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش می‌پردازد. بر اساس این جدول، متغیرهای هویت فرهنگی (بعد ملی)، هویت فرهنگی (بعد زبانی)، هویت فرهنگی (بعد تاریخی)، هویت فرهنگی (بعد هنری) و هویت فرهنگی (مجموع ابعاد) در سطح اطمینان ۹۹ درصد با مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه مستقیم داشته‌اند. این نتیجه برای داده‌های هر دو مقطع زمانی یکسان بوده است؛ بنابراین، تمامی فرضیه‌های رابطه‌ای این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

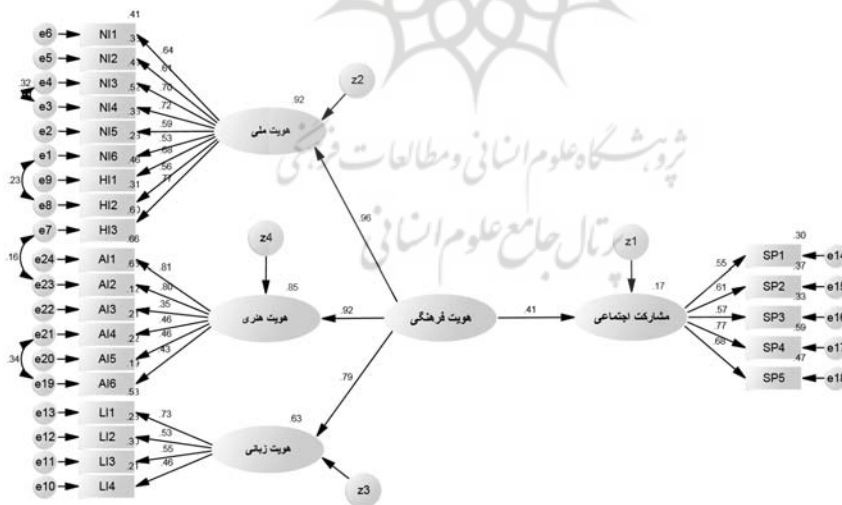
### مدل معادله ساختاری

مدل درونی معادله ساختاری این پژوهش توسط نرم‌افزار Amos و بر مبنای مجموع داده‌های سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ به‌منظور نمایان ساختن رابطه بین متغیرهای پنهان ترسیم شده است. در مدل ساختاری طراحی شده، متغیر هویت فرهنگی (بعد ملی) با ۹ گویه، هویت فرهنگی (بعد هنری) با ۶ گویه، هویت فرهنگی (بعد زبانی) با ۴ گویه و متغیر مشارکت اجتماعی با ۵ گویه حضور داشته و میزان بارهای عاملی اکثر گویه‌ها

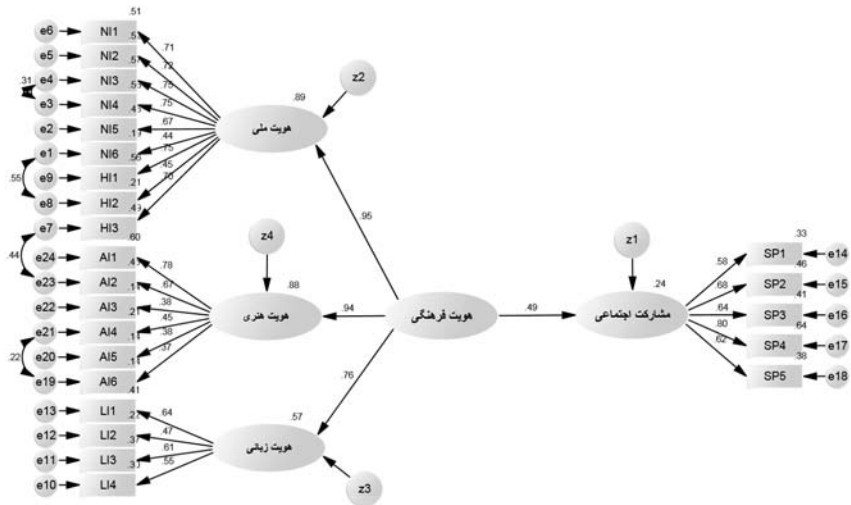
بالاتر از ۰/۴ بوده است. لازم به ذکر است که در مرحله اصلاح مدل، گویه‌های بعد تاریخی به بعد ملی هویت فرهنگی اضافه شده‌اند.



شکل ۱. مدل ساختاری رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی (بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۳)



شکل ۲. مدل ساختاری رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی (بر اساس داده‌های سال ۱۴۰۳)



شکل ۳. مدل ساختاری رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی (بر اساس مجموع داده‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳)

شکل‌های ۱ تا ۳، مدل‌های ساختاری رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی بر اساس داده‌های سال‌های ۱۳۹۳، ۱۴۰۳ و مجموع داده‌ها را نشان می‌دهند. در ادامه، به نتایج حاصل از اجرای مدل جهت برآورد میزان بتا و ضریب تعیین در هر دو مدل پرداخته می‌شود.

جدول ۴. نتایج اجرای مدل ساختاری رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی

مقطع زمانی داده‌ها	مسیر	ضریب بتا	آماره T	سطح معناداری	ضریب تعیین
۱۳۹۳	هویت فرهنگی --> مشارکت اجتماعی	۰/۵۴۰	۵/۶۴۰	۰/۰۰۱	۰/۲۹۱
۱۴۰۳	هویت فرهنگی --> مشارکت اجتماعی	۰/۴۰۷	۴/۴۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۶۶
مجموع داده‌ها	هویت فرهنگی --> مشارکت اجتماعی	۰/۴۸۹	۷/۵۴۹	۰/۰۰۱	۰/۲۳۹

مبتنی بر اطلاعات جدول ۴، میزان ضریب بتا در رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۳ برابر با ۰/۴۹۴، بر مبنای داده‌های سال ۱۴۰۳ برابر با ۰/۴۰۷ و مبتنی بر مجموع داده‌ها برابر با ۰/۴۸۹ بوده است.

همچنین، مقدار آماره T برای هر سه مسیر خارج از بازه  $1/96 - 1/96 + 1/96$  قرار داشته و بنابراین دارای اثر معنادار هستند. در مجموع، هویت فرهنگی در سال ۱۳۹۳ توانسته  $29/1$  درصد از واریانس مشارکت اجتماعی دانشجویان را تبیین نماید، در حالی که این میزان در سال ۱۴۰۳ به  $16/6$  درصد کاهش یافته است. ضریب تعیین برای مجموع داده‌ها نیز برابر با  $23/9$  درصد بوده است. در ادامه، به منظور بررسی معناداری مقدار ضرایب تعیین، از تکنیک خودگردان‌سازی<sup>۱</sup> استفاده شده است (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج برآورد معناداری ضریب تعیین

مقطع زمانی داده‌ها	ضریب تعیین	حداقل	حداکثر	سطح معناداری
۱۳۹۳	۰/۲۹۱	۰/۱۴۲	۰/۴۶۱	۰/۰۰۱
۱۴۰۳	۰/۱۶۶	۰/۰۳۱	۰/۳۵۲	۰/۰۰۱
مجموع داده‌ها	۰/۲۳۹	۰/۱۴۱	۰/۳۵۲	۰/۰۰۱

نتایج عملیات خودگردان‌سازی بیان می‌دارد که ضرایب تعیین در هر دو مقطع زمانی و نیز مجموع داده‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. همچنین از آنجا که مقدار صفر در حداقل تا حداکثر فاصله اطمینان قرار ندارد، می‌توان معناداری ضریب تعیین تأثیر هویت فرهنگی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان را مورد تأکید قرار داد. در مرحله پایانی مدل‌سازی معادله ساختاری، از چهار شاخص اصلی استفاده شده است (جدول ۶).

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل‌های معادله ساختاری مشارکت اجتماعی دانشجویان

شاخص	حد مطلوب	مقدار	تفسیر
شاخص برازش مطلق کای اسکور به‌هنگار شده (CMIN/DF)	$< 3$	۲/۷۰۵	مطلوب
شاخص برازش به‌نجار (NFI)	$> 0/90$	۰/۷۴۵	قابل قبول
شاخص برازش توکر - لویس (TLI)	$> 0/90$	۰/۷۹۷	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	$> 0/90$	۰/۸۲۰	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	$> 0/60$	۰/۷۲۵	مطلوب
ریشه دوم مربعات خطای برآورد (RMSEA)	$< 0/08$	۰/۰۵۹	مطلوب

با توجه به مقدار شاخص‌های برازش می‌توان گفت، مدل معادله ساختاری مشارکت اجتماعی دانشجویان از برازش مطلوب و قابل قبولی برخوردار بوده و در نتیجه می‌تواند الگوی تحلیلی (نظری) پژوهش را مورد حمایت قرار دهد.

## نتیجه‌گیری

امروزه تمرین مشارکت اجتماعی دانشجویان در فضاهای آموزشی در کنار اهداف برنامه درسی، به فصل ناگسستگی از اسناد راهبردی معاونت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها تبدیل شده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی مقایسه‌ای رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان در دو مقطع زمانی ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳ صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که میانگین متغیرهای هویت فرهنگی (در تمامی ابعاد آن) و مشارکت اجتماعی در هر دو مقطع زمانی بالاتر از حد متوسط بوده است. با این وجود، مقایسه داده‌های دو مقطع زمانی حاکی از کاهش معنادار میانگین تمامی متغیرها در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۳ است. این کاهش به‌ویژه در متغیرهای هویت فرهنگی ملی، هویت فرهنگی تاریخی و هویت فرهنگی (مجموع ابعاد) مشهودتر بوده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین تمامی ابعاد هویت فرهنگی (ملی، زبانی، تاریخی و هنری) و نیز هویت فرهنگی (مجموع ابعاد) با مشارکت اجتماعی دانشجویان، در هر دو مقطع زمانی، رابطه مستقیم و معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. به‌بیان‌دیگر، دانشجویانی که از هویت فرهنگی قوی‌تری برخوردارند، تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهند. این یافته با نظریه اینگلهارت مبنی بر نقش ارزش‌ها در شکل‌گیری کنش‌های مشارکتی همخوانی دارد. از منظر اینگلهارت، ارزش‌های فرهنگی که در هویت افراد متجلی می‌شوند، انگیزه لازم را برای مشارکت اجتماعی فراهم می‌آورند. همچنین، این یافته‌ها با دیدگاه گادیکانست درباره تأثیر هویت فرهنگی بر تعاملات اجتماعی افراد همسو است. به‌زعم گادیکانست، هرچه فرد بیشتر با فرهنگ خود همسان‌سازی کند و هویت فرهنگی قوی‌تری داشته باشد، بیشتر در تعاملات اجتماعی و گروهی مشارکت می‌کند. کاهش میانگین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی در مقطع زمانی ۱۴۰۳ نسبت به ۱۳۹۳ می‌تواند بازتاب‌دهنده تغییرات فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر در جامعه ایران طی دهه اخیر باشد. این تغییرات را می‌توان در چارچوب نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت تفسیر کرد. از این منظر، تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح کلان نظام، موجب تغییر در سطح خرد فردی شده و این امر به نوبه خود می‌تواند تحولاتی را در اشکال متداول مشارکت اجتماعی و نیز در بازتعریف هویت فرهنگی افراد ایجاد نماید. همچنین، بر مبنای رویکرد بازتابندگی گیدنز، می‌توان استدلال کرد که

هویت فرهنگی امری پویا و در حال بازتعریف مداوم است و تغییرات مشاهده‌شده در میزان آن، انعکاسی از این پویایی و بازتابندگی به شمار می‌رود.

یافته دیگر این پژوهش مبنی بر تأثیر متغیر مقطع زمانی بر رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی، نشان‌دهنده این است که با گذشت زمان، از قدرت تبیین‌کنندگی هویت فرهنگی برای مشارکت اجتماعی کاسته شده است. در این راستا، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که متغیر هویت فرهنگی (مجموع ابعاد) در سال ۱۳۹۳ توانسته ۲۱/۹ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی دانشجویان را تبیین نماید، در حالی که این میزان در سال ۱۴۰۳ به ۱۶/۶ درصد کاهش یافته است. این امر می‌تواند به دلیل پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، پررنگ‌تر شدن شبکه‌های اجتماعی مجازی و تنوع بیشتر عوامل مؤثر بر مشارکت در دهه اخیر باشد. به بیان دیگر، در سال ۱۴۰۳ عوامل دیگری نیز در کنار هویت فرهنگی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار بوده‌اند که نیازمند بررسی‌های بیشتر است. در مجموع، نتایج این پژوهش با یافته‌های مطالعات پیشین از جمله بذرافشان (۱۳۹۶)، درستکار و دیگران (۱۳۹۸)، گلستانی و دیگران (۱۴۰۱)، نازک‌تبار و دیگران (۱۴۰۲) و صفایی (۱۴۰۴) درباره رابطه مستقیم بین هویت و مشارکت اجتماعی همسو است. همچنین، یافته‌ها با نتایج تحقیقات بین‌المللی مانند ون‌زومرن و دیگران (۲۰۰۸)، برنابه و دیگران (۲۰۱۶)، شریک-بورتا (۲۰۱۸)، زو و دیگران (۲۰۲۴) و هوانگ و دیگران (۲۰۲۵) مبنی بر تأثیر هویت بر کنش جمعی و مشارکت مطابقت دارد. با توجه به تأیید رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی، می‌توان گفت تقویت ابعاد مختلف هویت فرهنگی دانشجویان می‌تواند به افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاه بینجامد. از این رو، برنامه‌ریزی فرهنگی در فضای دانشگاه باید به گونه‌ای باشد که ضمن توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی در سطح جامعه، به تقویت ابعاد مختلف هویت فرهنگی دانشجویان نیز بپردازد. در این میان، با توجه به کاهش بیشتر متغیرهای هویت فرهنگی ملی و تاریخی در دوره اخیر، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به نقش متغیرهای میانجی در رابطه بین هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی توجه شود. همچنین، بررسی تأثیر سایر ابعاد هویتی مانند هویت دینی، هویت قومی و هویت جنسیتی بر مشارکت اجتماعی می‌تواند به غنای پژوهش‌های آتی بیفزاید. مطالعات کیفی و روش‌های ترکیبی نیز می‌توانند به درک عمیق‌تر تغییرات هویت فرهنگی و مشارکت اجتماعی در فضای دانشگاهی کمک نمایند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت توجه به هویت فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان تأکید می‌کند. با توجه به کاهش میانگین هر دو متغیر طی دهه اخیر، ضرورت برنامه‌ریزی هوشمندانه در فضای دانشگاه برای تقویت هویت فرهنگی و افزایش مشارکت اجتماعی دانشجویان بیش از پیش احساس می‌شود. چنین برنامه‌ریزی‌هایی باید با درک تغییرات ارزشی و فرهنگی در سطح جامعه و نیز شناخت نیازها و خواسته‌های نسل جدید دانشجویان همراه باشد.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

- اینکلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- اینکلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، انتشارات کویر.
- بذرافشان، شهزاد (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند شهر گرگان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۸(۲۵)، ۹۱-۱۱۶.

<https://sanad.iau.ir/fa/Journal/urb/Article/1015930>

جوادی یگانه، محمدرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۹۵). پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران (گزارش کشوری)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

جوادی یگانه، محمدرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۹۴). یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، گزارش کشوری، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

دانشگاه کاشان (۱۳۹۳). طرح راهبردی دانشگاه کاشان، قابل دسترسی در:

<https://kashanu.ac.ir/file/download/page/1498883657-barnameh-rahbordi.pdf>

دانشگاه کاشان (۱۳۹۸ الف). خلاصه عملکرد برنامه راهبردی اول دانشگاه کاشان ۱۳۹۷-۱۳۹۳، قابل دسترسی در:

<https://pdm.kashanu.ac.ir/file/download/page/1620451136-university-of-kashan.pdf>

دانشگاه کاشان (۱۳۹۸ ب). برنامه راهبردی دوم (۱۳۹۸-۱۴۰۲)، قابل دسترسی در:

<https://pdm.kashanu.ac.ir/file/download/page/1620448956-strategic-plan.pdf>

دانشگاه کاشان (۱۴۰۰). گزارش مصور دستاوردها و افتخارات دانشگاه کاشان، قابل دسترسی در:

<https://kashanu.ac.ir/file/download/news/1633854329-.pdf>

درستکار، آرنوش؛ صابری، هاید و نسرین باقری (۱۳۹۸). ارائه مدل ساختاری مشارکت اجتماعی بر مبنای خودکارآمدی، هویت اجتماعی و تاب‌آوری بر اساس نقش میانجیگری امید. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۲(۴۰۱)، ۴۹۵-۵۰۲.

<https://doi.org/10.22038/mjms.2019.15097>

دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۱)، ۶۷-۹۸.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.1.4.8>

زائری، قاسم (۱۴۰۲). پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج چهارم)، گزارش کشوری، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

صفایی، صافی‌اله (۱۴۰۴). رابطه ابعاد هویت فرهنگی جمعی با مشارکت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهر تبریز). *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۵(۲)، ۱۱۵-۱۲۵.

<https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.506543.4236>

غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران، نشر نزدیک.

گلستانی، حبیب؛ نوروزی سید حسینی، رسول و مرجان صفاری (۱۴۰۱). رابطه هویت اجتماعی با سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان تربیت‌بدنی). توسعه کارآفرینی، ۱۵ (۴)، ۶۸۱-۶۷۱.

<https://doi.org/10.22059/jed.2022.342461.653945>

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴). هویت و مجاز: تأثیر هویتی اینترنت. مطالعات ملی، ۶ (۴)، ۱۰۷-۱۲۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/54007>

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت اجتماعی. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

نازک‌تبار، حسین؛ ملانیا جلودار، شهرام؛ ملک‌پور جونقانی، لیلا و مریم مالمیر (۱۴۰۲). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هویت ملی زنان بین ۱۸ تا ۵۰ ساله ساکن شهرکرد. مطالعات ملی، ۲۴ (۹۳)، ۱۳۱-۱۵۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735059.1402.24.93.6.0>

نیازی، محسن؛ معینی، محمدرئوف و محمد کارکنان نصرآبادی (۱۳۹۱). اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات سخنوران.

وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری (۱۳۹۶). سطح‌بندی و مؤسسات آموزش عالی، قابل دسترسی در:

<https://edu.msrt.ir/file/download/download/1509906169-unirank-table.pdf>

Bazrafshan, Sh. (2017). A sociological study of the relationship between lifestyle and social participation of elderly citizens of Gorgan. *Urban Sociological Studies*, 8(25), 91-116. <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/urb/Article/1015930> [In Persian]

Bernabé, M., Lisbona, A., Palací, F. J., & Martín-Aragón, M. (2016). Social identity and engagement: An exploratory study at university. *Journal of Work and Organizational Psychology*, 32(2), 103-107. <https://doi.org/10.1016/j.rpto.2016.02.003>

Brewer, M. B., & Yuki, M. (2007). Culture and Social Identity. In S. Kitayama, & D. Cohen (Eds.), *Handbook of Cultural Psychology* (pp. 307-322). New York, NY: Guilford.

Dehghan, A., & Ghafari, G. (2005). Explaining the socio-cultural participation of students of medical sciences universities in Tehran. *Iranian Journal of Sociology*, 6(1), 67-98. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.1.4.8> [In Persian]

Dorostkar, A., Saberi, H., & Bagheri, N. (2019). Presenting a structural model of social participation based on self-efficacy, social identity and resilience based on the mediating role of hope. *Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 62(4,1), 495-502. <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.15097> [In Persian]

Dupré, J. F. (2016). National identity politics and cultural recognition: the party system as context of choice. *Identities*, 25(1), 67-84. <https://doi.org/10.1080/1070289X.2016.1208097>

- Edensor, T. (2002). *National Identity, Popular Culture and Everyday Life*. London, Routledge.
- Ghafari, G., & Niazi, M. (2007). *Sociology of participation*. Tehran: Nazdik Publishing. **[In Persian]**
- Giddens, A. (2003). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. (N. Mofaghian, Trans.). Tehran: Ney Publishing. **[In Persian]**
- Giddens, A. (2010). *Sociology*. (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney Publishing. **[In Persian]**
- Golestani, H., Norouzi Seyed Hosseini, R., & Saffari, M. (2023). The relationship between social identity with social capital and social entrepreneurship (Case study: physical education students). *Journal of Entrepreneurship Development*, 15(4), 681-671. <https://doi.org/10.22059/jed.2022.342461.653945> **[In Persian]**
- Gudykunst, W. B. (2003). *Bridging differences: Effective intergroup communication* (4th ed.). Thousand Oaks, CA, Sage Publications, Inc.
- Hoffmann, L., Völlm, C., Bernard, M., Fink, A., Richter, M., & Dawal, B. (2023). What does social participation mean? A qualitative study exploring the concept of participation from the perspectives of experts and parents. *BMJ open*, 13(7), e072684. <https://doi.org/10.1136/bmjopen-2023-072684>
- Huang, D., Song, W., & Feng, R. (2025). The impact of age identity on social participation of older adults. *BMC geriatrics*, 25(1), 215. <https://doi.org/10.1186/s12877-025-05868-y>
- Inglehart, R. (1994). *Cultural change in advanced industrial society*. (M. Vatar, Trans.). Tehran: Kavir Publishing. **[In Persian]**
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2010). *Modernization, cultural change, and democracy*. (Y. Ahmadi, Trans.). Tehran: Kavir Publishing. **[In Persian]**
- Javadi Yeganeh, M., & Ghafari, G. (2015). *Findings of the Survey of Iranian Values and Attitudes (Third Wave)*, National Report, National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communications Publications. **[In Persian]**
- Javadi Yeganeh, M., & Ghafari, G. (2016). *National Survey of the Social, Cultural and Moral Status of Iranian Society (National Report)*, National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communications Publications. **[In Persian]**
- Kirloskar-Steinbach, M. (2004). National identity: Belonging to a cultural group? Belonging to a polity. *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, 3(8), 31-42. <https://www.researchgate.net/publication/26449519>
- Levasseur, M., Lussier-Therrien, M., Biron, M. L., Raymond, É., Castonguay, J., Naud, D., Fortier, M., Sévigny, A., Houde, S., & Tremblay, L. (2022). Scoping study of definitions of social participation: update and co-construction of an interdisciplinary consensual definition. *Age and ageing*, 51(2), afab215. <https://doi.org/10.1093/ageing/afab215>
- Martínez Sahuquillo, I. (2006). La identidad como problema social y sociológico. *Arbor*, 182(722), 811-824. <https://doi.org/10.3989/arbor.2006.i722.69>
- Mesbahian, H. (2021). Recognition to Come: Towards a Deconstructive Encounter with Iranian Identity in a Globalized World. *Religions*, 12(1), 52. <https://doi.org/10.3390/rel12010052>

- Ministry of Science, Research and Technology. (2017). *Ranking of universities and higher education institutions*. Retrieved from: <https://edu.msrt.ir/file/download/download/1509906169-unirank-table.pdf> [In Persian]
- Moeini Alamdari, J. (2005). Identity and the virtual: The identity effect of the Internet. *National Studies Journal*, 6(4), 107-123. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/54007> [In Persian]
- Mousavi, M. T. (2012). *An introduction to social participation*. Tehran: Jameeshenasan Publications. [In Persian]
- Nazoktabar, H., Molania Jلودر, S., Malekpour Joneghani, L., & Malmir, M. (2023). Analysis of the relationship between social capital and the national identity of women between 18 and 50 years old living in Shahr-e Kord. *National Studies Journal*, 24(93), 131-153. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735059.1402.24.93.6.0> [In Persian]
- Niazi, M., Moeini, M. R., & Karkonan Nasrabadi, M. (2012). *Measuring social capital*. Tehran: Sokhanvaran Publications. [In Persian]
- Ozer, S., & Schwartz, S. J. (2025). Striving for Unity in a Culturally Fragmented World: Nested Multiple Cultural Identifications Associated With Well-Being Through Self-Concept Clarity. *International journal of psychology*, 60(1), e70004. <https://doi.org/10.1002/ijop.70004>
- Pevnaya, M. V. (2024). Social Participation as a Theoretical Concept and Social Phenomenon. *Changing Societies & Personalities*, 8(1), 5-13. <https://doi.org/10.15826/csp.2024.8.1.260>
- Rex, J. (1996). National Identity in the Democratic Multi-Cultural State. *Sociological Research Online*, 1(2), 1-9. <https://doi.org/10.5153/sro.18>
- Rochester, C. (2006). *Making sense of volunteering: A Literature Review*. London, the Commission on the Future of Volunteering.
- Safaei, S. (2025). The relationship between the dimensions of collective cultural identity and citizens' social participation (Case study: Tabriz city). *Geography (Regional Planning)*, 15(2). <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.506543.4236> [In Persian]
- Srivastava R. H. (2025). The Complexity of Cultural Identity. *Journal of transcultural nursing*, 36(3), 223. <https://doi.org/10.1177/10436596251329913>
- Szczurek-Boruta Alina. (2018). Young people's identity capital and social participation in the life of the local community. *Polish Journal of Educational Studies*, 1(1), 81-91. <https://doi.org/10.2478/pol-jes-2018-0007>
- University of Kashan. (2014). *Strategic plan of the University of Kashan*. Retrieved from: <https://kashanu.ac.ir/file/download/page/1498883657-barnameh-rahbordi.pdf> [In Persian]
- University of Kashan. (2019a). *Summary of the performance of the first strategic plan of the University of Kashan 2014-2018*. Retrieved from: <https://pdm.kashanu.ac.ir/file/download/page/1620451136-university-of-kashan.pdf> [In Persian]
- University of Kashan. (2019b). *Second strategic plan (2019-2023)*. Retrieved from: <https://pdm.kashanu.ac.ir/file/download/page/1620448956-strategic-plan.pdf> [In Persian]

University of Kashan. (2021). *Illustrated report of the achievements and honors of the University of Kashan*. Retrieved from: <https://kashanu.ac.ir/file/download/news/1633854329-.pdf> [In Persian]

van Zomeren, M., Postmes, T., & Spears, R. (2008). Toward an integrative social identity model of collective action: a quantitative research synthesis of three socio-psychological perspectives. *Psychological bulletin*, 134(4), 504-535. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.134.4.504>

Xu, G., Ma, Y., & Zhu, Y. (2024). Social participation of migrant population under the background of social integration in China; Based on group identity and social exclusion perspectives. *Cities*, 147(1-2), 104850. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.104850>

Zaeri, Q. (2023). *National Survey of Iranian Values and Attitudes (Fourth Wave)*, National Report, National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communications Publications. [In Persian]

Zhelanova, V., & Matviienko, O. (2022). A personality's national and cultural identity: essence and structure. *Innovate Pedagogy*. 49(1), 17-20. <https://doi.org/10.32843/2663-6085/2022/49.1.3>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

